

[علم اجمالی به تدریجیات 1](#_Toc530815440)

[اشاره­ای به بحث واجب معلّق 2](#_Toc530815441)

[کلام شهید صدر; 3](#_Toc530815442)

[بررسی کلام مرحوم شیخ در بازگشت تمام واجبات مشروط به واجبات معلّق 3](#_Toc530815443)

**موضوع**: تدریجیات /تنبیهات /قاعده احتیاط

**خلاصه بحث :**

بحث در علم اجمالی به تدریجیات است. استاد در این جلسه ضمن اشاره به سه تقسم کلی واجب مطلق، مشروط و معلّق تفاوت بین این سه نوع واجب را بیان می­کنند. ایشان در ادامه، کلام مرحوم شیخ در بازگشت شرط به ماده را نپذیرفته است. استاد کلام مرحوم حاج شیخ را نقل می­کند که ایشان می­فرماید: واجب بر دو قسم مطلق و مشروط است و واجب معلّق وجود ندارد. اما در جایی که تحقق شرط در آینده قطعی است، از نظر عقلی الزام به مقدمات در زمان حاضر موجود است. استاد در انتها این کلام را مورد مناقشه قرار می­دهند.

## علم اجمالی به تدریجیات

بحث در علم اجمالی متعلق به تدریجیات است. مثال معروف این مورد مثال مضطربه از جهت وقت عادت است. که مثلا سه روز در ماه عادت می­شود اما زمان این سه روز را در ماه نمی­داند. حال آیا بر این زن احتیاط لازم است؟

مرحوم آخوند[[1]](#footnote-1) تفصیل قائل شده و می­فرماید: گاه حکم مرتبط با واجب بوده و گاه مرتبط با وجوب است. مثلا در مضطربه یا قائل باشیم هر زمان حیض دید از همان زمان وجوب می­آید. در این مورد، شک بین این وجود دارد که آیا ترتیب آثار حیض در زمان حاضر بر او واجب شده یا در آینده واجب می­شود. و گاه وجوب در از ابتدا بوده و واجب مؤخر است به نحو واجب معلق. مرحوم آخوند می­فرماید: در جایی که وجوب مشروط به زمان باشد، علم اجمالی موجب تنجیز نیست زیر علم اجمالی به واجب فعلی تعلق نیافته و تنها علم دارد که یا واجبی در زمان حاضر بوده یا واجبی در آینده خواهد آمد. اما اگر زمان قید واجب به نحو واجب معلق باشد، علم اجمالی منجز است زیرا علم به واجب فعلی تعلق یافته و همین که احتمال دارد واجب در آینده باشد مانع تنجیز علم اجمالی نیست. مانند علم تفصیلی به واجب معلق که موجب وجوب مقدمات این واجب معلق است. علم اجمالی که یک طرف آن در زمان حاضر بوده و طرف دیگر در آینده محقق می­شود نیز از همین موارد است.

مرحوم حاج شیخ[[2]](#footnote-2) به تناسب این بحث در درر می­فرماید: باید به بحث واجب مشروط، مطلق و مقید برگردیم. در بحث مقدمات مفوته طرح شده که سه واجب وجود دارد:

1. واجب مطلق: وجوب و واجب در زمان حاضر وجود دارد.
2. واجب مشروط: وجوب و واجب در زمان آینده تحقق می­یابد.
3. واجب معلق: وجوب در زمان حاضر بوده و واجب در زمان آینده است.

مرحوم حاج شیخ می­فرماید: به نظر ما دو نوع واجب بیشتر واجب نبوده و واجب معلق وجود ندارد. بله در واجبی که در آینده به انسان تعلق می­یابد، شرایطی در زمان حاضر وجود داشته باشد و علم داشته باشیم شرایط واجب محقق خواهد شد، به حکم عقل واجبی که شرطش در آینده محقق می­شود مانند واجبی است که شرط وجوبش در زمان حاضر وجود دارد. در نتیجه مقدمات مفوته آن واجب لازم خواهد بود.

### اشاره ای به بحث واجب معلّق

در بحث مقدمه مفوته، فرض شده است: برخی از واجبات در آینده تحقق یافته و در ظاهر وجوب آنها در آینده است اما برای اینکه بتوان در وقت واجب را انجام داد، باید مقدمات آن را پیش از فعل انجام داد. این اشکال مطرح می شود که وجوب مقدمه تابع وجوب ذی المقدمه است. چگونه می­توان فرض کرد ذی المقدمه در آینده واجب می­شود اما مقدمات در زمان حاضر واجب هستند؟

در پاسخ به این اشکال بیان­های مختلفی شده است:

1. مرحوم حاج شیخ پاسخی را ارائه داده و می­فرماید: در این موارد هر چند وجوب در زمان آینده می­آید اما چون تحقق شرط وجوب در آینده روشن است، از نظر عقلی این واجب مانند واجب مطلق فرض شده و مقدمات آن در زمان حاضر واجب می­شوند.پس مقدمات واجب به علت علم به تحقق شرط در آینده وجوب امتثال دارد.
2. مرحوم صاحب فصول[[3]](#footnote-3) در پاسخ به این اشکال، قسم جدیدی از واجب را به نام واجب معلق ابداع کرده و می­فرماید: در این موارد هر چند تصور می­شود، وجوب مشروط است اما در حقیقت وجوب مطلق بوده و واجب شرط دارد. پس واجب معلّق است نه آنکه واجب مشروط باشد. در این فرض، چون وجوب در زمان حاضر فعلی است، مقدمه آن نیز لزوم امتثال دارد. هر چند مرحوم صاحب فصول نام این واجب را معلق را نگذاشته اما روح این مطلب در کلام ایشان وجود داشته و در حقیقت مبتکر این نظریه ایشان است.
3. مرحوم شیخ[[4]](#footnote-4) با دو بیان عام و خاص، بیان می­کند: هر چند در برخی از موارد، ظهور شرط، شرط بودن برای هیئت است اما در حقیقت شرط برای ماده است. مثلا در **«اذا زالت الشمس، وجب الصلاه و الطهور»** در این مثال ظاهر بدوی این است که زوال شمس شرط هیئت است و در نتیجه وجوب مشروط به زوال شمس است اما در حقیقت، زوال شرط ماده است به این معنا که زوال شمس، قید صلاه است نه قید وجوب صلاه و در نتیجه، وجوب فعلی است و انجام مقدمات آن لازم است.

مرحوم آخوند[[5]](#footnote-5) می­فرماید: هر چند مرحوم شیخ نام این مواردی را که شرط قید برای ماده است، واجب معلق نگذاشته اما در حقیقت واجب در این موارد معلق است.

مرحوم شیخ برای اثبات این مطلب که قید برای ماده است نه هیئت دو بیان دارند:

1. بیان اول مرحوم شیخ این است که در **«اذا زالت الشمس فصل»** هیئت معنای حرفی و جزئی داشته و معانی حرفیه صلاحیت تغییر ندارند. این بیان همان­گونه که روشن است، تنها در مواردی جاری است که وجوب با هیئت بیان شود اما اگر وجوب با ماده بیان شده باشد مانند **«اذا زالت الشمس وجب الصلاه و الطهور»** این بیان در آن جاری نیست.
2. مرحوم شیخ بیان دومی دارند که بیانی ثبوتی بوده و در تمام موارد قابل جریان است. ایشان بیان می­کند: مقنّن زمانی که نماز عند الزوال را تصور می­کند یا مطلوب اوست یا مطلوب او نیست و اگر صلاه عند الزوال مطلوب شارع باشد در زمان حاضر اراده به نماز به آن تعلق می­گیرد. با توجه به این که جوهر حکم اراده است، روشن می شود با احراز ملاک در نماز عند الزوال توسط مقنّن، در زمان حاضر حب و بالتبع اراده به آن تعلق می­گیرد.

بیان مرحوم شیخ نیازمند توضیحی است که یا مرحوم شیخ خود به آن اشاره کرده یا حاج آقای والد به آن اشاره دارند. آن توضیح این است که خطاب معلول این است که مولی در صدد تحصیل عمل بر آمده باشد و صرف حبّ مستلزم خطاب نیست. پس چرا مولی به **«اذا زالت الشمس فصلّ»** در زمان حاضر خطاب کرده است؟

خلاصه کلام مرحوم شیخ این است که وجوب تنها بر دو قسم است واجب مطلق و واجب معلّق و اساسا وجوب مشروط وجود ندارد. اما مرحوم آخوند سه نوع وجوب مطلق، مشروط و معلّق را قبول دارد.

## کلام شهید صدر;

شهید صدر; مطابق تقریرات مباحث الاصول[[6]](#footnote-6) دخالت امر استقبالی در تکلیف را به چهار صورت فرض کرده که قسم چهارم این است که امر استقبالی نه در خطاب و نه در ملاک دخالت نداشته و تنها مکلف قصد دارد عمل را در آینده انجام دهد. ظاهرا قسم چهارم لطیف نیست زیرا خروج از دخالت امر استقبالی در جعل است. به همین دلیل، در بحوث[[7]](#footnote-7) قسم چهارمی ذکر نشده است. احتمال دارد شهید صدر; در دوره اول قسم چهارم رابیان کرده و در دوره بعد حذف کرده باشد.

سه قسم تصویر شده از دخالت امر استقبالی در کلام شهید صدر; این است:

1. امر استقبالی هم خطابا و هم ملاکا در حکم تأثیر دارد. به این معنا که خطاب و ملاک در آینده است.
2. امر استقبالی خطابا تأثیر دارد اما ملاکا تأثیر ندارد. به این معنا که خطاب در آینده است اما ملاک در حال حاضر است.
3. امر استقبالی نه خطابا و نه ملاکا تأثیر در حکم نداشته و تنها قید واجب است. به این معنا که خطاب و ملاک در حال حاضر است اما واجب مقید به زمان مستقبل است.

این سؤال مطرح می­شود که در قسم دوم که فرض شده ملاک در حال حاضر بوده و خطاب در آینده است، چرا با وجود ملاک در حال حاضر، خطاب به آینده واگذار شده است.

ایشان در پاسخ بیان می­کند: این مورد می­تواند و لو از باب استحاله عقلی واجب معلّق باشد. به این معنا که هر چند مأمور به در زمان حاضر ملاک دارد اما به علت استحاله عقلی واجب معلّق، مولی نمی­تواند در زمان حاضر به آن امر کند. شهید صدر; در ادامه می­فرماید: وجود خطاب در حال یا آینده تأثیری در لزوم امتثال ندارد زیرا ملاک به تنها مستلزم لزوم امتثال است و لو خطاب در آینده باشد.

البته تقسم بندی شهید صدر;، فرضی و بازی با الفاظ است. اولا: قسم دوم کاملا فرضی و مبنایی بوده و مبتنی بر استحاله واجب معلق است اما به نظر ما واجب معلّق استحاله ندارد که در آینده توضیح خواهیم داد. ثانیا: این کلام که وجوب به علت وجود ملاک در حال حاضر است در حالی که واجب در آینده است، بیشتر بازی با الفاظ است و روح مطلب، وجود وجوب در زمان حاضر است. به همین دلیل، بحث به نحوی دیگر تقریب می­شود که این اشکالات به آن وارد نباشد.

## بررسی کلام مرحوم شیخ در بازگشت تمام واجبات مشروط به واجبات معلّق

مرحوم شیخ فرمود: تمام واجبات مشروط به واجبات معلق بازگشت داشته و از نظر عقلی واجب مشروط به معنای مشهور وجود ندارد. آیا این سخن صحیح است؟

مرحوم شیخ دو بیان ارائه داد: بیان اثباتی که عدم امکان تقیید هیئت و معنای حرفی بود و بیان ثبوتی. محور بحث روی بیان ثبوتی است زیرا بیان اثباتی نه تنها کلیت ندارد بلکه دارای اشکال است. به همین دلیل تنها دلیل ثبوتی عام ایشان مورد بررسی قرار می­گیرد. ایشان در دلیل ثبوتی بیان کرد: مولی در زمان حاضر که مطلوب در زمان آینده را تصوّر می­کند از زمان حاضر به آن شیء در آینده، اراده پیدا می­کند و روح وجوب، اراده است که در زمان حاضر موجود است.

مراد مرحوم شیخ از این که وجوب در زمان حاضر و پیش از زمان مقید شده، وجود دارد، اگر این باشد که حکم عقل به لزوم امتثال و آثار عقلیه لزوم امتثال در زمان حاضر وجود دارد، این بیان کلیت ندارد زیرا مواردی تصویر دارد که به علت مفسده در الزام[[8]](#footnote-8) در زمان حاضر، مولی عبد را مکلّف به عمل نمی­کند و تکلیف از همان زمان آینده ایجاد می­شود. مثلا در **«اذا زالت الشمس فصلّ»** هر چند در زمان حاضر مولی به این عمل حبّ داشته و این عمل نیز ملاک­دار است اما امکان دارد در زمان حاضر و پیش از زوال، الزام داشتن مکلف مفسده­ای داشته باشد و به همین دلیل پیش از زوال واجب نشده باشد. بله در مواردی که مفسده در الزام در زمان حاضر وجود ندارد، وجوب از زمان حاضر است و اثر آن الزام مقدمات مفوّته خواهد بود. در این فرض، تحریک به نفس عمل معلّق بر زمان آینده بوده و تحریک به مقدّمات فعلی است.

باید دانست: جوهر حکم اعتبار شارع به قصد ملزم کردن عبد است و امکان دارد این اعتبار پیش از وقت بوده و می­تواند پس از وقت باشد. از برخی از روایات استفاده می­شود: شخص می­تواند پیش از دخول وقت خودش را جنب کند با این که می­داند در زمان صلاه آب نخواهد داشت و وظیفه این شخص تیمم است. از این روایت، استفاده می­شود، حکم وجوب صلاه پیش از وقت فعلی نیست. شارع به علت مصالحی که وجود داشته، حکم را پس از وقت قرار داده و نمی­خواسته بر مکلّف مقدّمات مفوّته لازم باشد. البته امکان دارد این روایت این گونه تحلیل شود که: ملاک در زمان حاضر وجود نداشته و قدرت بر اغتسال بعد از وقت دخیل در ملاک اغتسال باشد نه **مطلق القدره علی الاغتسال**. مطابق این تحلیل، پیش از وقت، اساسا ملاک وجود ندارد.

در نتیجه روشن شد: حتی اگر وجوب مقدمه را شرعی ندانسته و به الزام عقلی بدانیم، الزام عقلی در مواردی که وجوب ذی المقدمه پیش از وقت باشد، پیش از وقت وجود دارد و اگر وجوب شرعی ذی المقدمه پس از وقت باشد، الزام عقلی به مقدمه نیز پس از وقت بوده و الزام عقلی به مقدمات و لو مقدّمات مفوته پیش از وقت وجود ندارد. به همین دلیل، کلام مرحوم حاج شیخ که تصویر کرد وجوب در آینده باشد اما به این علت که تحقق شرط معلوم و قطعی است، عقل حکم به لزوم مقدمات در زمان حاضر می­کند، خلف فرض است زیرا با این فرض که امکان دارد شارع به علت مفسده در الزام در زمان حاضر، الزام را به زمان آینده مشروط کرده است، دیگر علم به تحقق شرط با الزام عقلی به مقدمات تلازمی ندارد. پس علم به تحقق شرط در آینده با الزام عقلی به مقدمات در زمان حاضر تلازمی ندارد.

**و آخر دعوانا ان الحمد لله رب العالمین**

محققین گرامی می توانند همه روزه دروس استاد (حفظه الله) را در کانال های ذیل پیگیری نمایند.

|  |  |  |  |
| --- | --- | --- | --- |
| ایتا | اصول | @mjshobeiriosul |  |
| **ایتا** | **فقه** | @mjshobeirifegh |  |
| **تلگرام** | **اصول** | @mjshobeiri2 |  |
| **تلگرام** | **فقه** | @mjshobeiri |  |

محقق گرامی؛ شما می­توانید انتقادات و پیشنهادات خود را نسبت به دروس روزانه، با شماره 09123519358 در میان بگذارید.

1. كفاية الأصول ( با تعليقه زارعى سبزوارى )، ج‏3، ص: 101 [↑](#footnote-ref-1)
2. دررالفوائد ( طبع جديد )، ص: 461 [↑](#footnote-ref-2)
3. الفصول الغروية في الأصول الفقهية ؛ ص79 و ينقسم باعتبار آخر إلى ما يتعلق وجوبه بالمكلف و لا يتوقف حصوله على أمر غير مقدور له كالمعرفة و ليسم منجزا أو إلى ما يتعلق وجوبه به و يتوقف حصوله على أمر غير مقدور له و ليسم معلقا كالحج فإن وجوبه يتعلق بالمكلف من أول زمن الاستطاعة أو خروج الرفقة و يتوقف فعله على مجي‏ء وقته و هو غير مقدور له و الفرق بين هذا النوع و بين الواجب المشروط هو أن التوقف هناك للوجوب و هنا للفعل‏ (البته در این عبارت مرحوم صاحب فصول تصریح به نام واجب معلق کرده است.) [↑](#footnote-ref-3)
4. مطارح الأنظار ( طبع جديد )، ج‏1، ص: 261 [↑](#footnote-ref-4)
5. كفاية الأصول ( با تعليقه زارعى سبزوارى )، ج‏1، ص: 189 [↑](#footnote-ref-5)
6. مباحث الأصول، ج‏4، ص: 180 [↑](#footnote-ref-6)
7. بحوث في علم الأصول، ج‏5، ص: 267 [↑](#footnote-ref-7)
8. همان­گونه که روشن است صرف وجود ملاک در عمل موجب تعلق تکلیف به آن نمی­شود و باید مفسده در الزامی وجود نداشته باشد تا با وجود ملاک به عملی الزام و تکلیف تعلق یابد. [↑](#footnote-ref-8)